

بازشناسی نقش طبیعت بر روابط همسایگی در مجتمع های مسکونی

محمد بهزاد پور*، یوسف گرجی مهبانی، جمال الدین سهیلی،

1396-11-11

چکیده در گذشته‌ی تاریخی شهرهای ایران، تفکرات نظام‌مندی از اهمیت نقش طبیعت و فضای سبز شهری به همراه واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی نشأت گرفته از این فضاها وجود داشته است. ولی امروزه و با توسعه شهرسازی مدرن، بسیاری از نیازهای زیست‌شناختی و اجتماعی در ساخت مساکن به دست فراموشی سپرده شده است. به طوری که روابط همسایگان و تعاملات اجتماعی، تعلق مکانی، سرزندگی و امنیت در بسیاری از این مساکن به حداقل رسیده است. این وضعیت در مساکنی که با عنوان «مسکن مهر» اخیراً ساخته شده‌اند و عمری کمتر از یک دهه دارند، کاملاً ملموس است. بر این اساس هدف تحقیق پیش رو بازشناسی نقش طبیعت بر روابط همسایگی بوده است. تحقیق حاضر برحسب هدف آن از نوع تحقیقات بنیادی - نظری است. ماهیت مطالعاتی آن توصیفی - تحلیلی و در زمره تحقیقات همبستگی است. این تحقیق به دو روش کتابخانه‌ای (اسنادی) و پیمایشی (میدانی) اطلاعات مورد نیاز خود را جمع‌آوری نموده است که در روش پیمایشی نگارنده داخل محیط قرار گرفته و محیط را تجربه نموده است که به صورت مشاهده مشارکتی، نقشه‌برداری رفتاری، عکس‌برداری، ترسیم نمودار حرکتی و بررسی فضاهای مکث کاربران و استفاده از پرسشنامه صورت گرفته است. نتیجه به دست آمده از بررسی سرزندگی ساکنان نشان می‌دهد حضور و ادراک طبیعت و فضاهای سبز در این مجتمع‌ها می‌تواند بر حس شادابی و سرزندگی ساکنان اثرگذار باشد. در مقایسه مجتمع‌ها با یکدیگر به لحاظ سرزندگی و با استفاده از روش‌های مشاهده، دیاگرام حرکت ساکنین، تصویربرداری و نقشه‌های شهری، نتایج نشان از وضعیت مطلوب اکباتان و زیتون، و وضعیت نامساعد پردیسان و مهرگان دارد. در بررسی تأثیرات طبیعت بر روابط همسایگی نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد طبیعت و فضاهای سبز بر روابط همسایگی و تعاملات اجتماعی در اکباتان 77 درصد، در پردیسان 31 درصد، در زیتون 72 درصد و در مهرگان نیز 21 درصد تأثیرگذار بوده است. نتیجه آزمون همبستگی پیرسون مشخص ساخت بین دو متغیر روابط همسایگی و میزان جرم و جنایات (امنیت) در محدوده‌های مطالعاتی رابطه معناداری در سطح 99 وجود دارد و ضریب همبستگی (-0.755) نشان از رابطه منفی (یا معکوس) و بسیار قوی بین دو متغیر دارد. در نهایت ضریب و میزان تأثیر طبیعت بر تعلق مکانی ساکنان مجتمع مسکونی اکباتان برابر با (0.87)، مجتمع مسکونی پردیسان برابر با (0.42)، مجتمع مسکونی زیتون برابر با (0.91) و مجتمع مسکونی مهرگان برابر با (0.37) حاصل شده است. با توجه به اینکه مقدار RMSEA در مجتمع‌های مسکونی به ترتیب برابر با (0.054)، (0.042)، (0.061) و (0.040) به دست آمده، می‌توان گفت: وضعیت طبیعت و فضاهای سبز مجتمع‌های مسکونی بر میزان تعلق مکانی ساکنان تأثیرگذار است. در مجموع با توجه به نتایج به دست آمده مشخص

می‌شود در آن دسته از مجتمع‌های مسکونی که در قالب مسکن مهر ساخته شده و رویکرد غالب آن‌ها، رویکردی تک‌بعدی نگر بوده که در آن صرفاً به ساخت فضایی برای اقامت و استراحت، اشتغال و یا مکانی برای جذب سرریز جمعیت کلان‌شهرها توجه شده است، نتیجه‌ای جز غافل ماندن از تأثیرگذاری جنبه‌های اجتماعی و روابط همسایگی بر امنیت و حس تعلق ساکنان دربر نداشته است؛ نتایج این تحقیق می‌تواند مورد استفاده جامعه دانشگاهی، مؤسسات پژوهشی و سازمان‌هایی از جمله سازمان بوسانه‌ها و فضاهای سبز شهری شهرداری‌ها و سازمان امور اجتماعی کشور قرار گیرد. در ارتباط با جنبه جدید بودن تحقیق نیز می‌توان گفت این تحقیق، طبیعت و فضاهای سبز مجتمع‌های مسکونی را به عنوان بستری برای روابط اجتماعی و همسایگی، سرزندگی، امنیت و تعلق مکانی مورد بررسی قرار داده است و به مقایسه تطبیقی این متغیرها در مجموعه‌های زیستی و مسکن مهر که عمری کمتر از یک دهه دارند پرداخته است و با مطالعه و بررسی پیشینه تحقیق مشخص گردید نمونه انجام شده‌ای در کشور وجود ندارد. واژگان کلیدی: طبیعت، روابط همسایگی، امنیت، تعلق مکانی، سرزندگی، مسکن مهر

کلمات کلیدی : طبیعت، روابط همسایگی، امنیت، تعلق مکانی، سرزندگی، مسکن مهر

[Islamic Azad University, Rasht Branch - Thesis Database](#)
[دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت - سامانه بانک اطلاعات پایان نامه ها](#)